

اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت

مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۲۰/۲۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵

الف) قربانیان جرم

۱. "قربانیان" به معنی اشخاصی هستند که به صورت فردی یا جمعی به دلیل اعمال یا ارتکاب های ناقص قوانین جزایی فعال در دولت ها از جمله قوانین نهی کننده سوءاستفاده جزایی از قدرت، متحمل صدمه از جمله صدمه جسمی و ذهنی، دشواری روحی، ضرر اقتصادی، محرومیت قابل توجه از آزادی های بنیادین شان شده باشند.
۲. تحت این اعلامیه، فردی ممکن است قربانی تلقی گردد صرفنظر از اینکه مرتکب شناسایی، دستگیر، تحت پیگرد یا محکوم شده باشد و صرفنظر از اینکه رابطه فامیلی میان مرتکب و قربانی وجود داشته باشد. واژه «قربانی» هر جا مقتضی باشد شامل خانواده نزدیک یا افراد تحت تکفل مستقیم قربانی و اشخاص متحمل آزار هنگام مداخله جهت کمک به قربانیان در وضعیت پریشانی یا پیشگیری از قربانی شدن، هم می‌شوند.
۳. مفاد مندرج در این اعلامیه بدون هر نوع تمایزی مانند نژاد، رنگ و جنس، سن، مذهب، ملیت، عقیده سیاسی یا دیگر عقاید، باورهای فرهنگی یا آداب، دارایی، تولد یا موقعیت فامیلی، اصل و منشأ قومی، اجتماعی و ناتوانی برای همه قابل اجرا است.

دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه.

۴. قربانیان برای شأن خود باید با محبت و احترام رفتار شوند. همانطور که در قوانین ملی پیش‌بینی گردید قربانیان مستحق هستند به سازوکارهای عدالت و جبران حقوقی فوری برای آزاری که متحمل شده‌اند، دسترسی داشته باشند. قربانیان باید از حقوق خود برای جبران حقوقی از طریق این سازوکارها مطلع شوند.
۵. در صورت لزوم باید سازوکار های قضائی و اداری ایجاد و تقویت شوند تا قربانیان بتوانند از طریق دادرسی های رسمی یا غیر رسمی که سریع، منصفانه، ارزان و قابل دسترسی هستند، جبران حقوقی را بدست آورند. قربانیان باید از حقوقشان در جستجوی جبران حقوقی از طریق چنین سازوکارها مطلع شوند.
۶. فرایند های حقوقی و اداری پاسخگو به نیازهای قربانیان باید به طرق زیر تسهیل شوند:
الف) اطلاع به قربانیان درباره نقش، دامنه، زمان و فرایند رسیدگی‌شان و تعیین تکلیف مواردشان خصوصاً در صورت جرم‌های جدی و موقعی که جوانان خواستار چنین اطلاعاتی هستند.
ب) اجازه داده شود که نظرات و نگرانی های قربانیان بیان گردیده بدون اینکه به فرد متهم یا تداوم نظام ملی عدالت جزایی لطمه ای وارد سازد، در مراحل مناسب رسیدگی بخصوص وقتی مصالح شخصی آسیب می‌بینند، مورد بررسی قرار گیرند،
ج) ارائه کمک مناسب به قربانیان در طول تشریفات قانونی
د) اتخاذ تدابیر برای به حداقل رساندن مزاحمت برای قربانیان، حراست از حریم خصوصی‌شان در صورت نیاز و اطمینان از ایمنی خود و خانواده‌شان و شاهدان در برابر ارباب و تلافی.

ه) اجتناب از تأخیر غیرضروری در تعیین تکلیف دعاوی و اجرای دستورات یا فرمان های اعطا پاداش به قربانیان.

۷. بکارگیری ساز و کارهای غیررسمی در صورت اقتضا برای حل و فصل اختلافات شامل شفاعت، داوری و عدالت عرفی یا شیوه‌های بومی به منظور تسهیل آشتی و جبران حقوقی برای قربانیان.

جبران خسارت

۱. متخلفان یا اشخاص ثالث مسئول رفتارشان باید در صورت اقتضا در پی جبران خسارت منصفانه برای قربانیان، خانواده یا افراد تحت تکفلشان برآیند. چنین جبران خسارت باید بازگشت اموال یا پرداخت برای صدمه و خسارت یا پرداخت هزینه پیش آمده ناشی از قربانی شدن، تدارک خدمات و اعاده حقوق را شامل گردد.

۲. حکومت‌ها علاوه بر سایر مجازات‌های کیفری باید رویه‌ها، مقررات و قوانین خود را جهت بررسی جبران خسارت به عنوان گزینه موجود برای محکومیت در دعاوی کیفری بازنگری نمایند.

۱۰. در مواردی که صدمه عمده متوجه محیطزیست است و چنانچه چنین صدمه‌ای نتیجه‌اش اختلال جامعه‌ای باشد، اعاده وضعیت در صورت دستور تا آنجایی که ممکن است باید شامل بازگشت محیط زیست به وضعیت سابق، بازسازی زیر ساخت، جایگزینی تسهیلات جامعه و بازپرداخت هزینه‌های تغییر گردد.

۱۱. هر جا مسئولان دولتی یا سایر کارگزاران در مقام رسمی یا نیمه رسمی قوانین جزایی ملی را نقض کنند، قربانیان باید از دولتی که مسئولان یا کارگزارانش مسئول وارد ساختن صدمه وارده بودند، جبران خسارت دریافت نمایند. در مواردی که قربانی شدن یا ارتکاب تحت اقتدار حکومتی صورت گرفته است و آن حکومت دیگر وجود ندارد، دولت یا حکومت جانشین باید جبران خسارت را برای قربانیان فراهم نماید.

گرامت

۱۲. موقعی که گرامت از سوی متخلف یا سایر منابع کاملاً فراهم نباشد دولت‌ها باید تلاش نمایند گرامت را در موارد زیر تأمین نمایند:

الف) قربانیانی که در نتیجه جرائم جدی متحمل صدمه عمده بدنی یا محدودیت جسمی یا سلامت ذهنی شده‌اند.
ب) خانواده به ویژه افراد تحت تکفل اشخاص که در نتیجه قربانی شدن فوت شده‌اند یا به لحاظ جسمی و ذهنی و محجور (فاقد اهلیت) گردیده‌اند.

۱۳. برقراری، تقویت و افزایش اعتبارات ملی برای گرامت به قربانیان باید تشویق گردد. در صورت اقتضاء سایر اعتبارات هم ممکن است برای این منظور از جمله مواردی که دولت قربانی تبعه آن در موقعیت جبران گرامت برای صدمه به قربانی نیست، برقرار گردد.

مساعدت

۱۴. قربانیان باید کمک لازم مادی، پزشکی، روانی و اجتماعی را از طریق ابزار حکومتی، داوطلبانه، جامعه - محور و بومی دریافت نمایند.

۱۵. قربانیان باید از فراهم بودن خدمات بهداشتی و اجتماعی و سایر کمک‌های مربوطه مطلع و به آسانی این خدمات در دسترس آنان قرار گیرند.

۱۶. مسئولان خدمات پلیسی، عدالتی، بهداشتی و اجتماعی و سایر کارکنان مربوطه باید در جهت حساس ساختن آنان به نیازهای قربانیان آموزش ببینند و راهنمایی جهت اطمینان بخشیدن به کمک مناسب و فوری، دریافت نمایند.

۱۷. در هنگام ارائه کمک و خدمات به قربانیان توجه باید به آنهایی معطوف گردد که به خاطر ماهیت صدمه وارده یا عوامل مذکور در بند ۲ فوق دارای نیازهای خاص هستند.

ب) قربانیان سوءاستفاده از قدرت

۱۸. قربانیان افرادی هستند که بصورت فردی یا جمعی متحمل صدمه از جمله جراحت جسمی یا ذهنی، دشواری روحی، ضرر اقتصادی یا محرومیت عمده از حقوق بنیادین از طریق اعمال یا ارتکاب هائی شده‌اند که هنوز موجب نقض قوانین ملی کیفری نیستند اما نقض هنجارهای شناخته شده بین‌المللی مربوط به حقوق بشر محسوب می شوند.

۱۹. دولت‌ها باید تلفیق هنجارهای بین‌المللی در هنجارهای قوانین ملی نهی کننده سوءاستفاده از قدرت و تامین جبران خسارت به چنین قربانیان را مورد بررسی قرار دهند. به ویژه چنین ترمیم‌هایی باید شامل اعاده وضعیت و یا غرامت، کمک و حمایت لازم مادی، پزشکی، روانی و اجتماعی گردد.

۲۰. دولت‌ها باید مذاکره درباره پیمان‌های بین‌المللی چند جانبه مربوط به قربانیان تعریف شده در بند ۱۸ را مورد بررسی قرار دهند.

۲۱. دولت‌ها باید قوانین و رویه‌های موجود را به منظور اطمینان از پاسخگویی‌شان به شرایط متغیر، بازنگری نموده و در صورت ضرورت قوانین نهی کننده اعمال موجب سوءاستفاده‌های جدی از قدرت سیاسی و اقتصادی را وضع و اجرا نمایند و خط‌مشی‌ها و ساز و کارهایی برای پیشگیری از چنین اعمال را ارتقاء داده و حقوق و جبران خسارت مناسب قربانیان چنین اعمال را گسترش داده و به سهولت فراهم سازند.